

اصول آموزش نظم به کودکان از دیدگاه آیات و روایات

مهسا زمانی نوکابادی^۱

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۱۰/۳۰؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۶/۵

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از اهداف آدمی، دستیابی به تکامل است که در مسیر رسیدن به آن عوامل مختلفی نقش دارند؛ یکی از این عوامل که در دین اسلام اهمیت زیادی دارد و باید از همان دوران کودکی آموزش داده شود، نظم می باشد. نظم آموزی، آموزشی است که توسط والدین و افرادی که با کودک در تماسند، داده می شود تا او بتواند در محیط جدیدی که وارد شده، زندگی کند. از آن جهت که آموزش نظم موجب افزایش مسئولیت پذیری، اعتماد به نفس، کنترل رفتارها و قدرت های غیرعادی می شود، این آموزش نیاز به اصول صحیح دارد، و از آن جایی که بی نظمی زمینه ساز مشکلات زیادی برای افراد خانواده می شود، آگاهی از اصول آموزش نظم به کودکان ضروری است. طبق یافته های این پژوهش، تناسب قوانین با سن و موقعیت، تبیین و تحلیل نظم و آگاه ساختن و برانگیختن کودکان به پیروی از مقررات از موارد اصول نظری است. برنامه ریزی و تقسیم وقت، تشویق و تنبیه و استمرار در تشویق ها، تقویت استقامت، ابراز محبت و پرهیز از خشم نسبت به آنان، استفاده از اصل نادیده گرفتن و استفاده از الگو دهی از جمله اصول عملی آموزش نظم به کودکان می باشد. محقق در صدد آن است که اصول نظری و عملی آموزش نظم کودکان را از نظر آیات و روایات، با روش توصیفی - کتابخانه ای بررسی نماید.

کلید واژه: آموزش نظم، اصول، کودکان





مقدمه

یکی از مسائلی که در فرهنگ اسلامی برای رسیدن انسان به تکامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، نظم نام دارد؛ که هم ردیف ارزش‌های والای اسلامی است؛ تا آن جا که جزء راز و رمز کامیابی انسان‌های بزرگ و راه غلبه بر سختی بشمار می‌رود. نظم به معنای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های فردی و اجتماعی، برای تحقق هدفی معین می‌باشد. نظم آموزشی، ناگهانی و یک شبه اتفاق نمی‌افتد، بلکه از خردسالی نیاز به استمرار، تداوم و اصول صحیح دارد. برای داشتن فرزندان منظم، لازم می‌باشد که پایه‌های آن‌ها از همان کودکی در بنای شخصیت کودکان محکم شود. کودکی که با اصول صحیح نظم آموزشی تربیت می‌شود به حداکثر توانمندی در این راستا می‌رسد. برای آموزش نظم، باید اصول صحیح استفاده شود که در آموزه‌های دینی نیز به آن‌ها پرداخته شده است. اگر کودک نظم نیاموزد هرچه سنش فراتر رود، در انجام دادن کارها سست می‌شود و بی‌نظم بودن را در خانواده گسترش می‌دهد و مشکلات زیادی را برای خود و خانواده به وجود می‌آورد؛ پس ضروری است پایه‌های نظم، با استفاده از اصول بیان شده در آیات و روایات، در بنای شخصیت کودکان تحکیم شود. یکی از نیازهای اساسی روانی کودکان، نیاز به نظم می‌باشد که از ابتدای خلقت و از زمان هبوط آدم به زمین مطرح بوده است. در رابطه با موضوع مطرح شده، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است که به صورت غیر مستقیم و کلی به این موضوع پرداخته‌اند؛ لذا محقق در صدد آن است که به این سؤال پاسخ دهد که چه اصل‌هایی وجود دارد که بتوان با استفاده از آن‌ها نظم را به کودکان آموزش داد.

مفهوم‌شناسی

اصول: در لغت به معنای پایه‌ها، قواعد و قوانینی که هر علم بر آن‌ها استوار شود. (سایت

آموزش: در لغت به معنای تدریس (سایت abadis.ir) و در اصطلاح هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده گفته می‌شود که توسط پدر و مادر یا معلم صورت می‌گیرد. (سایت maalem.ir)

نظم: در لغت به معنای ترتیب دادن کار (معین، فرهنگ معین، ج ۴، ص ۴۷۵۴) و در اصطلاح به معنای قوانینی است که انسان با آنها بین امور فردی و اجتماعی هماهنگی ایجاد می‌کند تا از هدر رفتن فرصت‌ها جلوگیری کند. (آقا تهرانی، کتاب نظم: آنچه همه دوست دارند ولی، ص ۱۲)

اصول آموزش نظم

الف) اصول نظری در نظم‌آموزی به کودکان

برای آموزش صحیح نظم و ترتیب به کودکان، باید به این نکته توجه داشت که در هر سن و سالی از آن‌ها چه انتظاری باید داشت؛ اگر نظم‌آموز از بچه‌ها توقع کمتری یا بیشتر از اندازه داشته باشد در کار نظم‌آموزی، با آنها به مشکلاتی رو به رو خواهد شد.

۱) تناسب قوانین با سن و موقعیت فرزندان

قواعد و محدودیت‌ها باید متناسب با سن بچه‌ها وضع شود. اگر از کودک پنج ساله خواسته شود هنگام گذر از خیابان دستتان را بگیرد منطقی سخن گفته شده است، اما نباید از یک نوجوان پانزده ساله نیز چنین انتظاری داشت. همچنین نباید تکالیفی سنگین بر دوش کودکان گذاشته شود؛ زیرا او نمی‌تواند از عهده آن‌ها برآید و این مسأله سبب ناکامی وی می‌شود. این خود عامل مشکلات بسیاری مانند پرخاشگری، انزوا طلبی و دروغ‌گویی می‌شود. (خانی جوی آبادی، شیوه‌های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۱۳) امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَاتَهُ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ»؛ (خدا رحمت کند کسی که فرزندش را به نیکی یاری کند). (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۰) راوی می‌گوید از حضرت پرسیدم چگونه او را بر نیکی یاری کند؟ حضرت فرمود: «آنچه در توان کودک است از او بپذیرد و آنچه انجامش برای





کودک سخت است از او نخواهد...». اگر قرار باشد چگونه سهمیم شدن به کودک یاد داده شود چگونه می‌توان این موضوع را به فرزندان آموخت، در حالی که آنها احتمالاً نمی‌دانند که در فراسوی خودشان دنیایی هم وجود دارد؟! آموختن سهمیم شدن در اسباب بازی‌ها برای یک کودک موضوعی خسته کننده و بی‌حاصل است. ولی آیا آموزش سهمیم شدن به کودک ده ساله هم توقعی بی‌مورد است؟ بچه‌ها تا ده سالگی به این نتیجه می‌رسند که در این دنیا تنها نیستند. برای این که بتوان به درستی به فرزندان نظم و ترتیب را آموزش داد باید دانست که در هر سن و سال از آنها چه انتظاری می‌رود. به طور آرمانی مسئولیت‌های بچه‌ها و آزادی‌های آنها باید متناسب با سن و سالشان افزایش یابد. وقتی بزرگتر می‌شوند می‌توان به آن‌ها امتیازات بیشتری داد و متقابلاً هم انتظار داشته باشیم که آنها رفتار مسئولانه‌تری را به نمایش بگذارند. اما در واقع اغلب، عکس این حالت اتفاق می‌افتد؛ به عبارت دیگر، هرچه فرزندان بزرگ‌تر شوند، بر محدودیت‌های آن‌ها افزوده می‌شود. بسیاری از شش ساله‌ها آزادی عمل بیشتری از شانزده ساله‌ها دارند. اگر والدین از بچه‌ها توقع بیش از اندازه یا کمتر داشته باشند، در کار نظم آموزشی با آنها با مشکلاتی رو به رو می‌شوند. (خانی جوی آبادی، شیوه‌های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۱۷) کودکان برای رشد سالم و دور ماندن از آفت‌های دنیا باید سه چیز را یاد بگیرند: (۱) توجه به آن چیزی که مورد علاقه‌شان نیست؛ (۲) ارضای فوری و آنی نیازها، کار درستی نیست و (۳) زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که تنها به فکر نیازهای شخصی خود نباشند. (شافعی مقدم، کتاب شیوه تربیت کودک در دنیای مدرن، ص ۸)

نظم آموزشی به کودکان

برخی والدین گمان می‌کنند باید به کودکان خود به شدت سخت بگیرند تا نظم و ترتیب را بیاموزند. به باور این دسته از والدین، اگر سختگیری جدی در کار نباشد کودکان لوس می‌شوند، در حالی که باید از خشونت و نظم آموزشی خشک و بی‌روح به طور جدی پرهیز کرد. رفتار ما با کودکان، باید کودکانه و متناسب با سن آنان باشد، یعنی باید نظم را در قالبی کودکانه به آنها آموخت. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ»؛

(هرکس کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند.) (فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۳، ص ۱۳۸۸) البته این بدان معنا نیست که به کودکان اجازه دهیم هرکاری که خواستند انجام دهند، بلکه باید رفتار والدین در عین آمیختگی به محبت با قاطعیت همراه باشد. کودکان خوشحال از آزادی تازه به دست آمده، می‌خواهند هرکاری را خودشان انجام دهند، و جان کلام آنها این است: «خودم انجام می‌دهم» بنابراین باید به آنان اجازه داد تا کاری را که می‌توانند، انجام دهند. (خانی جوی آبادی، شیوه‌های آموزش نظم به کودکان، ص ۱۷) یکی از ویژگی‌های کودکان، کنجکاوی دربارهٔ دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند. نظم آموزی به کودکان، به معنای هدایت کردن کنجکاوی آن‌ها است تا اقدام مناسب و درست را انجام دهند. کودکان، بازی را بسیار دوست دارند؛ والدین می‌توانند از این ویژگی برای نظم آموزی به آنان استفاده نمایند. شیطننت و بازی گوشی کودکان را باید دلیل بی‌ادبی آنان ندانست، بلکه تنها باید کوشید آن را هدایت کرد تا این رفتارها به آنان آسیبی نرزد. (خانی جوی آبادی، شیوه‌های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۲۰) رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «بازی‌گوشی و شیطننت بچه در دوران کودکی، نشان دهندهٔ فزونی عقل او در بزرگسالی است.» (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۵۶۴)

در این زمینه امام کاظم علیه السلام نیز فرموده‌اند: «بازی گوشی پسر در دوران کودکی پسندیده است؛ زیرا در بزرگسالی بردبار می‌شود.» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۵۸) خواندن، نوشتن و محاسبه کردن، بخشی از مهارت‌هایی است که بچه‌ها باید بیاموزند. مهارت‌های جسمانی مهارت‌های آکادمیک مانند کار با کامپیوتر و مهارت‌های میان فردی همچون همکاری و سازگاری با مردم، از جمله کارهایی است که باید با آن‌ها آشنا شوند. ایجاد این باور که آنان اشخاصی توانمندند، از نشانه‌های موفقیت در این دوران به شمار می‌آید. وقتی والدین به کودکان خود نظم می‌آموزند باید به این نیاز آن‌ها که خودشان را موجود توانمند و لایقی بپندارند توجه کرد. نظم آموزی به بچه به مفهوم آموزش کنترل خود است که آن را برای همکاری و کنار آمدن با دیگران احتیاج دارند. والدین باید بکوشند علایق فرزندان خود را بیابند و با هدایت ایشان در آن زمینه، طعم موفقیت را به کودکان شان بچشانند. به این ترتیب، آن‌ها



به احساس شایستگی خواهند رسید. این احساس شایستگی زمینه‌ای برای پایه ریزی نظم در آنهاست. فرزندان به احساس موفقیت نیاز دارند. اما ممکن است راه آن را ندانند. به کمک فرزندان و با همکاری آموزگار او در مدرسه می‌توان دریافت کودک در چه زمینه‌هایی امکان موفقیت بیشتری دارد. (همتی، فرزندان قانون، ص ۵۳) دوران نوجوانی، هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین، از دوران کودکی دشوارتر است. اسلام درباره نوجوانی، هم به جنبه‌های مثبت و هم به جنبه‌های منفی آن توجه داشته است. از نگاه مثبت، در روایات، نوجوانی یکی از نعمت‌های پرارج خداوند و از سرمایه‌های بزرگ سعادت در زندگی بشر شناخته شده است. در این مرحله از رشد، پذیرش نوجوانان بسیار بالاست و آمادگی دارند حقایق را بپذیرند، تا آن جا که رسول خدا ﷺ این گونه سفارش می‌کند: «أوصيكم بالشُّبَّانَ خيراً فَإِنَّهُمْ أَرْقَا أَفْنَدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا مُحَالَفِي الشُّبَّانِ وَخَالِفِي الشُّيُوخِ»؛ (فلسفی، الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۳، ص ۳۶۸) (به شما درباره نوبالغان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم، که آنها دلی رقیق‌ترو قلبی فضیلت پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذاب شب ترسانم. جوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از پذیرش دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند). امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «وإنَّما قلب الحرث كارض الخاليه ما القى فيها من شيء قبلته» (همان، ج ۱، ص ۴۵۰)؛ (حضرت دل آنان را به زمین آماده برای کشت تشبیه کرده، که هر بذری در آن افشاندن شود می‌پذیرد و در آغوش خود به خوبی می‌پرورد). از نگاه منفی، اولیای الهی این دوره را دوره جوانی و مستی خوانده‌اند؛ زیرا در این سن عواطف و احساسات بر عقلانیت چیره است و فرموده‌اند: که جوانی، خود یکی از اقسام جنون و دیوانگی بشر است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «اصنافُ الشُّكْرِ اربَعه: سُكْرُ الشَّبَابِ، سُكْرُ المَالِ، سُكْرُ التَّوَمِ و سُكْرُ المُلْكِ»؛ (مستی بر چهار قسم است: مستی جوانی، مستی ثروت، مستی خواب و مستی ریاست). (حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۶) اما به طور خلاصه روش موفق برای نظم آموزی به نوجوانان، روشی است که ضمن دادن آزادی عمل به نوجوان‌ها برای آن‌ها محدودیت‌های منطقی وضع می‌کند تا با خطر رو به رو نشوند. با آن که ممکن است نوجوان‌ها به نظر سرکش برسند، به مهر و محبت احتیاج دارند. نوجوانان باید

بدانند در چه زمانی به آن‌ها افتخار می‌کنیم. باید بدانند، چه زمانی تصمیم عاقلانه گرفته‌اند. (همتی، فرزندان قانون، ص ۵۶)

تنها راه برای اینکه نوجوان‌ها بتوانند به آنچه هستند دست یابند، فاصله گرفتن از ما و استقلال بیشترشان است. اما استقلال کامل و بی‌چون و چرا مدنظر نیست. نوجوان‌ها هم می‌خواهند دنیایشان را سیاحت کنند و با این حال بتوانند برای گرفتن اطمینان خاطر هر زمان که لازم بود به ما مراجعه کنند. در یک لحظه خودشان را از والدین جدا می‌دانند و در لحظه‌ای بعد می‌خواهند که به آن‌ها کمک کنند. دوران نوجوانی ویژگی‌هایی دارد که با توجه به آن‌ها، نوع تعامل والدین نیز با نوجوانان متفاوت خواهد بود. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

«استقلال طلبی»: استقلال طلبی ویژگی شاخص دوران نوجوانی و لازمه استقلال فرزندان در آینده است. پس باید این استقلال را به رسمیت شناخت و آن را هدایت کرد.

«میل به زیبایی و زیبا بودن»: از دیگر ویژگی‌های دوران نوجوانی، میل به زیبایی و زیبا بودن است. ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به این موضوع به قدر لازم توجه داشته‌اند. تا جایی که امام علی علیه‌السلام هنگام خرید، پیراهن گران‌تر را به غلامشان، که جوان بود، دادند و خودشان لباس ارزان‌تر را برداشتند. والدین نیز باید این ویژگی نوجوانان را بشناسند و تا حد اعتدال و در چارچوب شرع آن را برآورند.

«میل به پرستش و معنویت»: از دیگر ویژگی‌های نوجوانی، میل به پرستش و معنویت است. والدین و مربیان می‌توانند از این ویژگی به بهترین وجه استفاده کنند. البته باید توجه داشت که شک نوجوان در این مرحله سنی، به سبب رسیدن به هوش انتزاعی است، یعنی فرزند از نظر عقلی کامل شده است و می‌خواهد همه چیز را بر مبنای عقل و خرد بفهمد. پس والدین باید به او باری دهند، نه آن‌که با برچسب بی‌دینی مسیر فهم دین را برایش سد کنند. اگر والدین نوجوان را یاری کنند که بنای اعتقادی‌اش را دوباره بسازد، در واقع او را بیمه ساخته‌اند تا در مسیر زندگی، مشکلاتش را به خوبی پشت سر بگذارد.

روشی موفق است که با وجود دادن آزادی عمل به نوجوانان، برای آنان محدودیت‌هایی





منطقی ایجاد کند، تا با خطر رو به رو نشوند. وقتی نوجوانان می بینند پدر و مادرشان محدودیت های منطقی برایشان قائل می شوند، احساس می کنند که در کانون مهر و محبت آن ها قرار دارند. با آن که ممکن است نوجوانان سرکش به نظر آیند، هم چنان به مهر و محبت نیاز دارند. آنان باید بدانند چه زمان والدین به آن ها افتخار می کنند و چه هنگام عاقلانه تصمیم گرفته اند؛ باید آن ها را در تصمیم گیری ها شرکت داد و برای نظراتشان احترام قائل شد و اگر اشتباه کردند آنان را بسیار دوستانه و منطقی آگاه ساخت. درباره تربیت جوانان و نوجوانان لازم است به این نکته توجه داشت که تنبیه، اثر بسیار کمی دارد. در مقابل کلام منطقی و مبتنی بر تخصص را به خوبی می پذیرند؛ به همین دلیل، خوب است والدین از این شاخصه فرزندشان به بهترین نحو استفاده کنند. (خانی جوی آبادی، شیوه های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۲۲)

همچنین باید والدین نوجوانشان را همان گونه که هست بپذیرند؛ زیرا هر کس توانمندی و استعدادی ویژه دارد. مقایسه افراد با یکدیگر به هیچ وجه درست نیست و آثار ویرانگر بسیاری در پی دارد. اگر والدین بخواهند نوجوانشان را با کسی مقایسه کنند، آن کس خود اوست. برای مثال به او بگویند:

«قبلاً بسیار بیشتر به درس های توجّه داشتی» یا «قبلاً اتاقت منظم تر بود». نوجوان دیگر کودک پیشین نیست که به امر و نهی ما گوش بدهد. او دیگر مرحله پیروی اخلاقی را پشت سر گذاشته و اکنون وارد مرحله خود پیروی اخلاقی شده است. پس زمانی رفتار درست را از والدین می پذیرد که دلیل آن را برایش توضیح دهند و به گونه ای رفتار کنند که استقلال و آزادی عملش مخدوش نشود. در واقع، کنترل نوجوان باید نامحسوس باشد و او را به گونه ای به سوی رفتار درست سوق دهند، که احساس کند خودش آن رفتار را برگزیده است. یکی از تکنیک های بسیار مناسب برای سوق دادن نوجوان به سوی نظم، استفاده از فن «پیام من» است. در این تکنیک، والدین بدون آن که با استفاده از «پیام تو» شخصیت نوجوان را تحقیر کنند، در برخورد با بی نظمی او، اینگونه از «پیام من» استفاده می کنند:

الف) توصیف موقعیت رفتاری نوجوان (بدون قضاوت)

ب) بیان احساس خود

ج) بیان آثار بی‌نظمی نوجوان

۲) تبیین و تحلیل مسائل و آگاه ساختن فرزندان

برای پدید آمدن نظم در کودکان، لازم است فایده‌های آن و پیامدهای بی‌نظمی را برای آنان تشریح کنیم تا این گوهرگران بها را بشناسند و کاخ نزدیکی خود را بر پایه آن استوار سازند. از همین روست که کارشناسان تربیتی، برخی عوامل سرپیچی و نافرمانی فرزندان را چنین معرفی می‌کنند:

نا آگاهی از فواید فرمان بری

دستور دادن بدون هیچ توضیحی درباره آن

سختی انجام دادن فرمان بیش از گنجایش جسمی و عقلی کودک

نا آگاهی والدین از روش درست فرمان دادن (مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، نظم و انضباط،

ص ۱۷۶)

برخورد با بی‌نظمی کودکان

در مواقعی می‌توان، مانع از بد رفتاری فرزندان شد؛ مانند: تعیین محدودیت‌های منصفانه و معنی‌دار که مطمئناً قدم مهمی در این راستا است. اقدام دیگر، از بین بردن وسوسه‌هاست؛ می‌توانید اشیاء شکستنی را از دسترس فرزندان دور کرد، روی پریزهای برق حفاظ گذاشته شود، در ۱۳ سالگی به فرزندان رانندگی آموزش نداد، وقتی فرزند نوجوانتان دوستانش را به منزل دعوت کرده، خانه را ترک نکرد. راه دیگر جلوگیری از بی‌نظمی و بد رفتاری، پرت کردن حواس بچه‌هاست. این امر به خصوص در مورد کودکان کم‌سال بسیار مؤثر واقع می‌شود. وقتی دیده می‌شود کودک شما روی کتاب را خط خطی می‌کند به او کاغذ داده شود تا این کار را روی کاغذ انجام دهد.





اقدامات جزئی

یکی از روش‌های مؤثر برای برطرف کردن رفتارهای نامطلوب کودک، «نادیده گرفتن» آنهاست. به ویژه هنگامی که هدف کودک از رفتار نادرست، جلب توجه شماست. هنگام استفاده از این روش، ممکن است احساس کرد که در واقع، کاری برای بهبود وضعیت کودک انجام نداد، اما در آینده در می‌یابید که با نادیده گرفتن برخی رفتارها، به طور حساب شده و پیوسته، این گونه رفتارها ترک می‌شوند و به این ترتیب به نتایجی حیرت‌انگیز می‌رسید. وقتی کودک بخواهد توجه بقیه را جلب کند، هرکاری انجام می‌دهد. او به خوبی می‌داند چه رفتاری در چه هنگام بقیه را بیشتر می‌آزارد. یکی دیگر از اقدامات «علامت دادن» است که بر دو نوع می‌باشد: اول، علامت‌های غیرکلامی: حالت نگاه در مواردی در رابطه با نظم‌آموزی به کودکان اعجاز می‌کند. یک نگاه تند و بلند، کودک را به کاری که باید بکند راهنمایی می‌کند. واقعیت این است که چشم‌ها حرف می‌زنند. علامت دادن با دست هم می‌تواند ابزار نظم‌آموزی مهمی باشد. گذاشتن انگشت بر لب به نشانه سکوت و با اشاره رفتن با دست، به لباسی که روی زمین افتاده، پیام ما را به خوبی مخابره می‌کند. (خانی جوی آبادی، شیوه‌های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۲۵) دوم، علامت‌های کلامی: کلام، بهترین راه برای برقراری ارتباطی مؤثر است. والدین می‌توانند از این ابزار به خوبی استفاده کنند و پیامشان را به طور ملایم و با خونسردی برای فرزندشان بفرستند. برای تأثیرگذاری بهتر، خوب است که والدین از جملاتی با فاعل «من» استفاده کنند. این جملات تنها به کودک می‌فهماند که والدینش چه احساسی دارند و او را تحریک می‌کنند تا به آنها کمک کند.

برای اینکه بچه‌های کوچکتر بتوانند جمله‌هایی با فاعل «من» را درک کنند، بهتر است والدین از پیام غیرکلامی استفاده کنند. یکی دیگر از اقدامات «تحسین کردن» است. طبیعت انسان است که اگر به خاطر انجام دادن کاری تشویق شود به آن کار با شدت بیشتری می‌پردازد. از این رو وقتی تغییر مثبتی در فرزندتان دیده می‌شود او را تشویق کنید و در مقام تحسینش حرف زده شود. باید توجه نمود در تحسین کردن فرصتی برای مقایسه نیست؛ مقایسه کردن فرزندان، آن‌ها را به چشم و هم‌چشمی با هم وادار می‌کند. (خانی جوی آبادی،

شیوه‌های آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات، ص ۲۵)

اقدامات جدی

گاه اقدامات جزئی و بی‌اهمیت به جایی نمی‌رسد و در این مواقع به اقدامات جدی‌تری احتیاج است. در مواقعی لازم است که مستقیم‌تر و با صراحت بیشتر با بدرفتاری و بی‌نظمی کودک مواجه شد. اغلب اوقات بد رفتاری بچه‌ها، برای گرفتن انتقام از ما نیست، بلکه برای رسیدن به خواسته‌هایشان است. در مواقعی بد رفتاری کودک به آن خاطر است که به لحاظ جسمی، آمادگی کاری را که می‌کند ندارد. به عنوان مثال: یک کودک دو ساله ممکن است لیوان شیرش را بارها و بارها به زمین بریزد؛ زیرا نمی‌تواند دستگیره فنجان را به درستی در دستش نگه دارد. اگر ناتوانی جسمانی و مشکل نرسیدن به بلوغ فکری سبب بد رفتاری باشد، لازم است که برای حراست از جان فرزندان دخالت جدی‌تری مدنظر قرار گیرد. در مواقعی کنجکاوی طبیعی، منجر به بد رفتاری می‌شود. ممکن است کودک دو ساله از روی کنجکاوی بخواهد بداند که در شیرش چه موادی وجود دارد و با این ذهنیت شیرش را به زمین بریزد. پسر ده ساله هم ممکن است برای اینکه می‌خواهد بداند ساعتش چگونه کار می‌کند آن را خراب کند. در بسیاری از مواقع، بد رفتاری کودک از آن روست که می‌خواهد نیازهای خودش را برآورده سازد. باید به این نکته نیز توجه داشت که برای جلوگیری از تکرار رفتار بد فرزندان چه کاری باید انجام داد؛ برای این کار ابتدا باید از علت بد رفتاری او آگاه شد و بعد اقدامی برای پاسخ به این «چرا» صورت پذیرد. مثلاً اگر کودکی با دست اطرافیانش را کتک بزند، ممکن است پس از دقیق شدن به «چرای» کار، به این نتیجه رسید که وقتی او عصبانی می‌شود راه دیگری برای تخلیه خشمش سراغ ندارد. (همان، ص ۳۰) نکته مهم دیگر آن است که در نظم‌آموزی به کودک، به هیچ وجه نباید عصبانی شد و از کوره در رفت؛ زیرا کودک این گونه می‌آموزد که چگونه می‌تواند شما را عصبانی کند و در آینده نیز همین کار را تکرار خواهد کرد. علاوه بر این، اگر هدفش از بی‌نظمی، جلب توجه شما بوده باشد، با عصبانی شدن نه تنها او را به مقصودش می‌رسانید، بلکه موجب تقویت رفتارش می‌شوید. (ایمانی، چالش‌های والدین در رابطه با





بی‌نظمی کودکان، ص ۴۵)

برانگیختن کودکان به پیروی از مقررات

«احترام گذاشتن به کودکان»؛ وقتی به کودک احترام گذاشته می‌شود، او نیز می‌آموزد به شما و مقرراتتان احترام بگذارد و دستورهای شما را انجام دهد. احترام به کودک در وی استقلال و عزت نفس به وجود می‌آورد. رسول خدا ﷺ نیز از همان کودکی ارزش و احترامی ویژه برای حضرت علی علیه‌السلام قائل بودند، چنان که اسلام را در ده سالگی به ایشان عرضه کردند و حضرت علی علیه‌السلام را به جانشینی برگزیدند و بسیار تأکید داشتند که فرزندان خود را گرمی بدارید و آنها را خوب تربیت کنید تا بدین وسیله آموخته شوید.

«پرهیز از امر و نهی خالص»؛ همه انسان‌ها، به ویژه کودکان نوپا و نوجوانان، استقلال طلب اند و روحیه آنان با امر و نهی سازگاری ندارد؛ البته کودکان در هفت سال دوم زندگی تا اندازه‌ای دستور دیگران را می‌پذیرند اما نباید در این کار زیاده روی شود. بهتر است در برخورد با کودکان و نوجوانان به جای فرمان‌های مستقیم، شیوه‌های دیگری مانند امر و نهی غیر مستقیم و مشورت دادن را در نظر گرفت. این شیوه‌ها، افزون بر اینکه کارایی بیشتری دارند، فرزندان را به والدین و مربیان بد بین نمی‌کند. معصومان علیه‌السلام نیز در برخورد با نوجوانان از امر و نهی بسیار پرهیز می‌کردند.

«آورده‌اند که اسماعیل، فرزند امام صادق علیه‌السلام مقداری پول داشت. در همان هنگام مردی از قریش عازم یمن بود. اسماعیل تصمیم گرفت پول خود را به آن مرد بدهد تا برایش کالایی بخرد و تجارت کند از این رو با امام مشورت کرد. امام او را از این کار باز نداشتند بلکه فرمودند: عزیزم آیا نشنیده‌ای او شراب خوار است؟ اسماعیل گفت مردم چنین می‌گویند: امام فرمودند: خداوند می‌فرماید هرگاه مؤمنان نزد تو شهادت دادند، آنها را تصدیق کن.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۳۷) چنان که در این روایت آورده شده است، امام به طور مستقیم فرزند خویش را منع نکردند، بلکه با مطرح کردن پرسش و نیز با استدلال، به طور غیرمستقیم و با محبت، او را از این کار باز داشتند. (حسینی زاده، سیره تربیت پیامبر، ص ۱۳۷)

«اجازه سخن گفتن به کودکان»؛ کودکان نیز باید در تعیین مقررات و محدودیت‌ها حق اظهار نظر داشته باشند. وقتی کودک در وضع مقررات، شرکت داده شود او بیشتر احساس مسئولیت می‌کند.

ب) اصول عملی در نظم‌آموزی به کودکان

برای آموزش نظم به کودکان، علاوه بر اصول نظری، اصول عملی هم وجود دارد که عبارتند از:

۱) برنامه‌ریزی و تقسیم وقت

یکی از عوامل مهم دستیابی به نظم، برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی، نردبان موفقیت، بهره‌گیری از لحظه لحظه عمر و راه رسیدن به کعبه مقصود با کمترین امکانات است. (حسنه قره باغی، جایگاه نظم در قرآن و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان، ص ۱) انسان با برنامه‌ریزی می‌تواند مشکلات احتمالی را پیش‌بینی کند و برای آن‌ها راه چاره پیدا کند. دوران‌دیشی از دیگر مزیت‌های برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی، باید همراه با دورنگری و در نظرگرفتن تمام ابعاد موضوع باشد و اگر این کار صورت نپذیرد ممکن است به اندازه بی‌برنامگی زیان بار باشد. حضرت علی علیه السلام در سخنی نورانی می‌فرمایند: «أَفْتِ الْمَعَاشَ سَوْءَ التَّدْبِيرِ»؛ (آفت زندگانی بد تدبیری است.) (غرا الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۰۸)

برنامه‌ریزی فوایدی دارد که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. مانع پشیمانی می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «التَّائِبُ قَبْلَ الْفَعْلِ يُؤْمِنُ النَّدَمَ»؛ (برنامه‌ریزی و آینده‌نگری پیش از کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد.) (چهل حدیث نظم و دین‌داری، ص ۳۵)

۲. حلال مشکلات است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَةِ اقَامَتِهِ الشَّدَائِدُ»؛ (کسی

که چاره اندیشی را رها سازد، با سختی‌ها در خواهد افتاد.) (سایت rasekhoon.net)

۳. برنامه‌ریزی، یکی از امور موفقیت و پیشرفت است. آثار سازنده حرکت براساس برنامه درست و منظم برکسی پوشیده نیست. در روایات اسلامی می‌توان به دو واژه تدبیر و تقدیر دست یافت که در بردارنده معنای برنامه‌ریزی هستند. برنامه‌ریزی براساس نگرستن به پایان





کار، تدبیر می‌گویند و به اندازه گرفتن تقدیر می‌گویند.

۴. برنامه‌ریزی، در زمینه اقتصادی خانواده، یعنی تنظیم هزینه‌ها مطابق با درآمد، دوری از مصارف غیر ضروری، پرهیز از ولخرجی که جز، اسراف نمی‌توان نامی دیگر بر آن نهاد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «حُسْنُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ»؛ (برنامه‌ریزی صحیح و دور از اسراف از سیاست‌های پسندیده است). (غررالحکم، ص ۳۳۱)

۵. از دیگر فواید برنامه‌ریزی آن است که کارها با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌شود، افکار انسان، نظم و انسجامی ویژه می‌یابد، فرصت‌هایی تازه برای برخی کارها پیدا می‌شود، اعصاب و روان آدمی آرامش می‌یابد، انسان بهتر می‌تواند با خدای خویش ارتباط برقرار کند و درکارها از او یاری جوید. (مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، نظم و انضباط، ص ۱۵۳)

امام علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «مَنْ نَاهَاكَ الْفُرْصَةَ أَمِنَ الْغُصَّةَ»؛ (هرکس فرصت را غنیمت شمرد، از اندوه در امان است). (غررالحکم، ص ۹۲۳۹)

آیت العظمی شیخ محمدحسن نجفی، معروف به صاحب جواهر، دارای کتاب جواهرالکلام است. این مرد بزرگ از تمام وقت خود استفاده می‌کرد، از این رو چنین کتاب ارزشمندی را به یادگار گذاشت و شاگردانی برجسته تربیت کرد. صاحب جواهر با خود عهد کرده بود که هر شب مقداری از کتاب جواهر را بنویسد. در یکی از شب‌ها فرزندش از دنیا رفت. نقل است که صاحب جواهر، قلم و کاغذ به دست گرفت و با چشم‌گریان و قلب محزون کنار جسد فرزندش، پس از تلاوت آیاتی از قرآن، مشغول نوشتن جواهرشد، تا به عهد خود وفا کند و وقت را از دست ندهد. (عبدوس، محمدی اشتهاری، ۲۵ اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم السلام، ص ۲۶۶)

۲) تشویق و تنبیه و استمرار در تشویق‌ها

یکی دیگر از عوامل دستیابی به نظم، تشویق افراد منظم و تنبیه افراد بی نظم است. تشویق کسانی که به نظم ارج می‌نهند افزون بر اینکه آنان را به عملکردشان دلگرم می‌کند، خود تنبیه برای افراد نامنظم است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «أَزْجُرُ الْمُتَسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»؛ (خطاکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن). (شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، حکمت ۱۷۶، ج

۵، ص ۵۷۲) تنبیه سه نفر از مسلمانان به نام‌های هلال، کعب، مراره از سوی پیامبرگرمی اسلام ﷺ و دستور قطع رابطه مسلمانان با آنان نمونه‌های جالب برای تنبیه مخالفان است. این تنبیه باعث شد که آنان به خود آیند و از بی‌نظمی خود اظهار ندامت کنند و دوباره به آغوش مسلمانان بازگردند و نظم اجتماعی جامعه را ارج نهند. (سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۷۸۱) تشویق رفتارهای درست کودکان، انتظارهای شما را از آنان مشخص می‌سازد و الگوهای درست رفتار را برایشان ترسیم می‌کند. برای آموزش مؤثر به کودکان، بهترین راه آن است که انتظارات خود را از آنان به شکل الگو و نمونه درآورید. ادامه تشویق سبب تحکیم رفتار درست و تداوم آن می‌شود.

هر زمان که فرزندان خود انضباطی بروز داد حتماً او را مورد تحسین قرار دهید. گاهی اوقات کارها و رفتارهای خوب نادیده گرفته می‌شود در حالی که تشویق و تحسین بچه‌ها برای اخذ تصمیمات درست و صحیح به احتمال زیاد باعث افزایش چنین رفتارهایی در او خواهد شد؛ حتی زمانی که بدون یادآوری شما، فرزندان کاری را انجام می‌دهد او را تشویق کنید، بگویید، «خیلی کار خوبی کردی قبل از این که من بگویم شروع به انجام تکالیف کردی!» یا «خیلی بهت افتخار می‌کنم که امروز خودت به تنهایی اتاقت را تمیز کردی!»؛ این کار باعث تشویق در تکرار عملکرد کودک می‌شود. (سایت www.beytoote.com)

۳) استواری و پایداری

برای آنکه نظم و انضباط بر محیطی حکم فرما شود، نیازی به استواری و پایداری است. از امام باقر علیه السلام روایت است که امام سجاد علیه السلام می‌فرمود: «إِنِّي لِأُحِبُّ أَنْ أَدَاوِمَ عَلَى الْعَمَلِ وَأَنْ قَلَّ»؛ (همانا من مداومت بر عمل را دوست دارم اگرچه آن عمل کوچک باشد). (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲) نظم و انضباط در کارها و مدیریت‌ها تحقق نمی‌یابد مگر با پایداری و استواری. مدیر توانا، می‌کوشد با پایداری، کارها را پیگیری کند و نظم و انضباط را بر محیط کار خویش حاکم سازد تا کارها به سامان و فرجام رسد. هنرمدیر موفق آن است که به کارها استمرار



بخشد نه آن که کاری را آغاز و سپس رها سازد. درواقع ملاک، عمل فرجام آن است. (مقاله شیوه‌های آموزش نظم به کودکان از دیدگاه آیات و روایات ص ۳۳) در سوره هود آمده است: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» (هود: ۱۲)؛ (چنان که مأمور شده‌ای، استقامت کن و کسانی که همراه تو هستند استقامت کنند و طغیان مکنید.) بی‌انضباطی و سرکشی و سرپیچی از قوانین و مقررات، نتیجه ناشکیبایی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْحِلْمُ نِظَامُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِ»؛ (شکیبایی نظم دهنده کارهای مؤمن است.) (غررالحکم، ترجمه شیخ الاسلامی، ج ۱، ص ۳۴۴) از مهمترین راه‌های دستیابی به نظم، تقسیم وقت است. بزرگان گفته‌اند: تقسیم وقت، سبب افزونی آن می‌گردد. تقسیم ساعت‌ها افزون برآن که باعث پدید آمدن نظم است، سبب می‌شود انسان از اوقات فراغت نیز به خوبی بهره‌مند گردد و برای همه اوقات خود برنامه ریزی کند و از فرصت‌ها بهره جوید. (خانی جوی آباد، مقاله شیوه‌های آموزش نظم به کودکان از دیدگاه آیات و روایات، ص ۳۴) امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ (سَاعَةً يُرْمِي فِيهَا مَعَاشَهُ) سَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَلَذَّتْهَا فِيهَا يَحُلُّ وَيَحْمَلُ»؛ (برای مؤمن سه ساعت است؛ ساعتی که در آن با پروردگارش مناجات کند و ساعتی که در آن به حساب نفس خود برسد (یا در آن معاش خود را اصلاح کند) و ساعتی که نفس بالذات‌های حلال و نیکو خلوت می‌کند.) (غررالحکم، ترجمه شیخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۳۰)

۴) ابراز محبت و پرهیز از خشم نسبت به کودکان

محبت نیاز طبیعی همه انسانهاست؛ چنان که انسان به آب و غذا نیاز دارد، به محبت نیز نیازمند است. بنابراین، برخورداری و محرومیت از آن در تعادل روح تأثیر فراوان دارد. کودکی که در محیط گرم و صمیمی خانواده پرورش یابد، روانی شاد و دلی آرام و بانشاط دارد و به زندگی امیدوار و دل‌گرم است. در روایات نیز بر محبت به کودکان بسیار تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمَ الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ»؛ (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۴۱)

(خداوند منان، بنده اش را به سبب شدت محبتی که به فرزندش دارد کانون رحمت خویش قرار می دهد. البته باید محبت ابراز شود تا تأثیرگذار باشد. در پرتو محبت، ویژگی های عالی انسانی و عواطف و احساسات کودک به خوبی پرورش می یابد و وی در آینده انسانی متعالی خواهد شد. البته کودک نیز به کسی که به او مهر می ورزد دل بسته می شود. او چنین فردی را خیرخواه، قدرشناس و معتمد می داند و به سخنش بهترگوش می دهد. بی شک پدران و مادران با محبت تر در تربیت درست فرزندان خود موفق ترند. زیاده روی در محبت کردن به کودک، او را لوس و از خود راضی بار می آورد. چنان که در روایات نیز از این زیاده روی نهی شده است. بهتر است طفل در کودکی با سختی ها روبرو شود تا در جوانی و بزرگسالی بردبار گردد. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲) از دیگر راهکارهایی که برای ایجاد نظم و انضباط در فرزندان باید توجه کرد، پرهیز از خشم و زورگویی است. انضباطی که بر پایه خشم استوار باشد و با زور حاکم شود، همچون خانه ای است که بر پایه هایی سست بنا می شود و با برداشته شدن زور و اجبار، از هم می پاشد و فرو می ریزد. ایجاد انضباط از راه زور، پیامدهای زیان بار دارد که می توان از میان آنها به مقاومت، بی اعتنائی، پرخاشگری، بدخلقی، دروغگویی، انزواطلبی، لجبازی و از بین رفتن اعتماد به نفس کودک اشاره کرد. اگر به گونه ای منطقی، مستدل و صریح با کودک رفتار شود او حقیقت را می پذیرد و تسلیم آن می شود. اجرای برنامه های انضباطی، بدون گذشت زمان امکان پذیر نیست. هنگام سرپیچی باید شکایا بود، ولی در اجرای انضباط پافشاری لازم است و از راه تشویق و تحسین و هنگام ضرورت با توبیخ و بی اعتنائی و دیگر روش های اصلاح رفتار که در کتاب تنبیه، آری یا خیر، آمده می توان به اصلاح رفتار کودکان پرداخت. شخصی نزد امام موسی کاظم علیه السلام رفت و از فرزند خود شکایت کرد. امام علیه السلام فرمودند: «او را نزن بلکه برای مدتی کوتاه به وی بی اعتنائی کن.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹)

۵) الگودهی به کودکان

والدین، افزون بر آگاه ساختن کودک، باید در ارائه رفتار درست و مقررات، خود بهترین نمونه





برای وی باشند. به همین دلیل، در روایات این نکته نغز را می بینیم. افراد را با عملتان به کار خیر دعوت کنید. در نظم آموزی به کودک باید به این مسئله توجه داشت؛ زیرا پدر و مادر، نخستین الگوهای رفتار کودک اند. تأثیر رفتار والدین از گفتار آنان بسیار بیشتر است. استاد مطهری در این باره می فرماید: هیچ چیزی بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی دهد. شما می بینید مردم از انبیاء و اولیاء زیاد پیروی می کنند، ولی از حکماء و فلاسفه زیاد پیروی نمی کنند؛ زیرا فلاسفه فقط می گویند و فقط مکتب دارند، فقط تئوری می دهند، ولی انبیاء و اولیاء تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند هر چه می گویند ابتدا خود عمل می کنند. حتی این طور نیست که اول بگویند و بعد عمل کنند، اول عمل می کنند و بعد می گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، اثر آن گفته چندین برابر می شود. (مطهری، مجموعه آثار (حماسه حسینی)، ج ۱۷، ص ۲۵۴) دو صد گفته چون نیم کردار نیست. اگر والدین خود منظم نباشند، تنبیه یا توصیه های پیاپی به نظم برای ایجاد آن، و رفع بی نظمی های کودک، سودی ندارد؛ زیرا کودک بخش مهمی از آموخته های خود را از راه دیدن نمونه ها و الگوها فرامی گیرد. (مرکز مشاوره، نظم و انضباط فرزندان، ص ۳)

۶) استفاده از اصل نادیده گرفتن

بنابر اصل تغافل، والدین و مربیان در نخستین برخورد با خطای کودک آن را نادیده می گیرند و به طوری رفتار می کنند که گویا سخنی نشنیده اند و از چیزی خبر ندارند. برای مثال، هنگامی که نخستین بار فرزندان حرف زشتی را در خانه بر زبان می آورد، بهترین اقدام نادیده گرفتن است، گویا اصلاً چیزی نشنیده اند؛ زیرا هرگونه توجه، چه مثبت، چه منفی، موجب یادگیری کودک می شود. همچنین ممکن است کودک با دیدن حساسیت شما، در موقعیتی دیگر برای ناراحت کردنتان از آن استفاده کند. نادیده گرفتن، دو نتیجه در پی دارد؛ نخست آنکه حرمت کودک، به ویژه اگر پنهانی مرتکب خطا شده باشد، محفوظ می ماند و فرصتی برای تجدید نظر به او داده می شود. دوم آنکه جایگاه مربی نزد کودک محفوظ می ماند. امام صادق

علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خویش را با نادیده گرفتن گرامی بدارید.» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۹) امام علی علیه السلام نادیده گرفتن را موجب ستایش کارمربی دانسته و خود حضرت نیز همین شیوه را در زندگی به کار می‌گرفتند: انجام این اصل در همه مراحل رشد، به ویژه نخستین مرحله کودکی پسندیده است؛ چرا که کودک آگاهی کمتری دارد و به همین دلیل خطاهای وی فراوان است. اگر مربی بخواهد پس از هر رفتار ناپسند، کودک را تنبیه کند، باید همواره در حال این کار باشد، که آسیب‌های فراوانی دارد. (قائمی مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۱۴۱)

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی اصول آموزش نظم به کودکان با تکیه بر آیات و روایات پرداخته شد. نظم، یکی از امور هم‌ردیف ارزش‌های والای اسلامی است؛ که موجب دستیابی سریع‌تر آدمی به اهدافش می‌شود؛ پس باید از همان دوران کودکی پایه‌های نظم را در شخصیت کودک محکم کرد و آن را به طور صحیح به او آموزش داد. این آموزش توسط والدین و افرادی که با کودک در تماسند، صورت می‌گیرد تا کودک بتواند در محیط جدیدی که وارد شده، زندگی کند. از آن جهت که احتیاج به نظم در دوران زندگی، جزء احتیاج‌های اساسی روانی و موجب پیشرفت آدمی در تمام ابعاد زندگی است؛ لذا نیازمند اصول صحیح می‌باشد. از سویی دیگر باید به این نکته توجه داشت که اگر اصول نادرست آموزش نظم به کار برده شود، نه تنها موجب نظم کودک نمی‌شود بلکه مشکلات بیشتری را در پی خواهد داشت. در آیات و روایات، بیان شده است که آموزش نظم به کودکان ضروری است، از سویی دیگر، می‌توان با استفاده از آن‌ها پایه‌های نظم را در بنای شخصیت کودک محکم کرد. تربیت هم چون پرورش دانه گلی است که هم نیاز به مراقبت و نگهداری دارد و هم نیاز به صبر و حوصله؛ پس در این امر نباید عجله شود؛ زیرا تربیت امری تدریجی است.

در پاسخ به فرضیه تحقیق، باید عنوان کرد که طبق یافته‌های این پژوهش اصول آموزش



نظم به کودکان بر دو صورت می باشد:

الف) اصول نظری

۱. تناسب قوانین با سن و موقعیت ۲. تبیین و تحلیل مسائل و آگاه ساختن

ب) اصول عملی

۱. برنامه ریزی و تقسیم وقت؛ ۲. تشویق و تنبیه و استمرار در تشویق ها؛ ۳. استواری و پایداری؛ ۴. ابراز محبت و پرهیز از خشم نسبت به آنان؛ ۵. الگودهی به کودک و ۶. استفاده از اصل نادیده گرفتن نوآوری کار محقق در این است که اصول نظری و عملی نظم آموزی به کودکان را از آیات و روایات بیان کرده است.



منابع

- * قرآن: علی مشکینی.
- * نهج البلاغه: ابن میثم.
- کتاب.
۱. آقا تهرانی، مرتضی، نظم: آنچه همه دوست دارند ولی ...، بی جا، عماد فردا، چاپ اول، ۱۳۹۳ هـ.ش.
 ۲. امیرخانی، علی، چهل حدیث نظم و دین داری، قم: آستان مقدس قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۷ هـ.ش.
 ۳. ایمانی، محسن، چالش های والدین در رابطه با بی نظمی کودکان و نوجوانان و شیوه های اصلاح آن، بی جا، پرکاس، ۱۳۹۸ هـ.ش.
 ۴. حسینی زاده، سید علی؛ داودی، محمد؛ سیره تربیت پیامبر ﷺ و اهل بیت - سلام الله علیهم -، بی جا: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت، ۱۳۹۹ هـ.ش.
 ۵. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
 ۶. شافعی مقدم، جواد، تربیت کودک در دنیای مدرن، تهران: سلیس، چاپ ششم، ۱۳۹۷ هـ.ش.
 ۷. عبدوس، محمدتقی؛ محمدی اشتیاری، محمد، ۲۵ اصل از اصول اخلاقی امامان، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
 ۸. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث (روایت تربیتی از مکتب اهل بیت)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۹. مرکز پژوهش های صدا و سیما، نظم و انضباط، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲ هـ.ش.
 ۱۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (حماسه حسینی)، بی جا: صدرا، ۱۳۹۳ هـ.ش.
 ۱۱. معین، محمد، فرهنگ معین، بی جا: امیرکبیر.
 ۱۲. همتی، مجید، فرزندان قانون، بی جا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲ هـ.ش.





۱۳. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و درر الکلم، بی جا، دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
 ۱۴. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول، محمد صادق حسن زاده، تهران، قم: بی نا، ۱۳۹۷ هـ.ق.
 ۱۵. حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بی جا، آل البيت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
 ۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۷ هـ.ق.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- مقالات
۱. حسنه قره باغ، بهرام، رضوی، اعظم، "جایگاه نظم در قرآن و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی"، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، ۱۳۹۴ هـ.ش.
 ۲. خانی جوی آبادی، مریم، "شیوه آموزش نظم به کودکان در آیات و روایات".
- سایت ها

۱. abadis.ir
2. hawzah.net
3. maalem.ir
4. rasekhoon.net
5. www.beytoote.com
6. www.vajehyab.com